

شاد باش به حزب کارآلبانی

به کسب و کاری مرکزی حزب کارآلبانی
رفقای عزیز

حزب کارآلبانی و خلق آلبانی در وحدت استوار و ناگسسته ای اکنون سی و پنجمین سال تاسیس حزب و برگزاری هفتمین کنگره آنرا با سر بلندی و افتخار از پیروزی بهائی که بدست آورد ماند جشن میگیرند. آجازه هید از جانب خود و سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان این هر دو واقعه تاریخی را به حزب کارآلبانی و خلق آلبانی از صمیم قلب شاد باش بگوئیم.

تاسیس حزب کارآلبانی در کرمان پیشاهنگ طبقه کارگر در ۸ نوامبر ۱۹۴۱ توسط مارکسیست - لنینیست بزرگ رفیق انور خوجه نقطه عطفی در تاریخ جنبش کارگری آلبانی و جنبش انقلابی خلق آلبانی بشمار میآید. نقطه عطفی که سرنوشت خلق آلبانی را از ریشه درگین ساخت و وی را در شاهراه ایجاد آلبانی نوین، آلبانی سوسیالیستی انداخت. این پیروزی عظیم از اینجا حاصل آمد که حزب کارآلبانی حقیقت عام مارکسیسم را با پراتیک انقلاب آلبانی در آمیخت و در هر یک از مراحل مختلف تکامل انقلابی انتقالی بسی صحیح برگزید و آنرا با بصیرت و روشن بینی مرحله اجرا، در آورد و بدین ترتیب خلق آلبانی را از یک پیروزی به پیروزی دیگر رهبری کرد. بدین ترتیب که کشور آلبانی تحت اشغال فاشیست های آلمانی و ایتالیائی بود حزب کارآلبانی تحت رهبری رفیق انور خوجه راه مبارزه مسلحانه را در پیش گرفت و خلق آلبانی را برای پیروزی در جنگ علیه فاشیسم و انقلاب در جبهه آزاد بیخشم ملی متحد و متشکل ساخت. خلق آلبانی تحت رهبری حزب کارآلبانی در شرایطی دشوار و پرتوانیکه بر پیروزی خود قهرمانانه جنگید همین خود را از وجود اشغالگرا فاشیست پاک کرد، سلطه ارتجاعی فئودالها و بورژوازی را برانداخت و قدرت توده های را در سراسر کشور مستقر گردانید.

پس از نایل به آزادی و استقرار قدرت توده های، حزب پرافتخار کارآلبانی خلق را بسوی ساختمان جامعه نوین سوسیالیستی رهنمون شد. خلق آلبانی طی اندکی بیش از سی سال، علیه مملکت و موانع فراوان و علیه مملکت سرمایه داری و روستایی و فئودالیست آنرا که کشور عقب مانده و نیمه مستعمره کشور آزاد و مستقل، کشوری سوسیالیستی شکوفان پیشرفته بوجود آورد. اقدامات رولوستوار و بی سابقه سالها اخیر که با تکیه بر نیروهای خلق انجام گرفت، سطح آگاهی سوسیالیستی توده های خلق را ارتقا داد، از روزی که پیوسته جلوتر رفت، پیشگامی پرولتاریا را استحقاق بخشید و به بسط و گسترش ساختمان سوسیالیسم یاری رسانید. در زمانیکه سراسر دنیا سرمایه داری را بحران و تورم و بیگاری فراگرفته است و در کشور سوسیالیستی آلبانی از بحران و تورم و بیگاری آثیری نیست، در زمانیکه طبقه کارگر در دیگر کشورهای سرمایه داری بازندگی توان فرسائی دست بگریبان اند، زحمتکشان آلبانی سوسیالیستی با برخورداری از زندگی آسوده و سعادت تمدن بکار آفریننده اشتغال دارند و انقلاب راه پیش میروند. امروز آلبانی سوسیالیستی مانند مشعلی فروزان بر سر راه سرجهان پرتویی افکند طبقه کارگر و زحمتکشان را به آیندگی درخشان توده میدهد.

مبارزه قاطع و آشتی ناپذیر حزب کارآلبانی تحت رهبری رفیق انور خوجه علیه پیوسته و روزی پیوسته و در دفاع از مارکسیسم - لنینیسم در تاریخ جنبش کمونیستی جهانی صفحات درخشان را بخود اختصاص داد. حزب کارآلبانی در بکار علیه ممانعت در آوردن سرمایه داری به مارکسیسم - لنینیسم نشان داد. در جبهه زشت روزی پیوسته مدین از همان آغاز دستگیر گردید و پیوسته استوار و بی تزلزل در مواضع اصولی باقی ماند، تسلیم شانزده فشار و محاصره اقتصادی و سیاسی نظامی نشد، دفاع از مارکسیسم - لنینیسم را در برابر روزی پیوسته بعهد گرفت و از این طریق در پیشبرد آرمان انقلابی پرولتاریا سهم بزرگی را کرد.

موضع محکم و استوار حزب کارآلبانی در مبارزه با ارتجاع و امپریالیسم بویژه امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی، در مبارزه قاطع با سیاست تجاویز و جنگ امپریالیسم بویژه در او بر قدرت آمریکا و شوروی، موضع محکم و استوار حزب کارآلبانی در دفاع بپسندیده از مبارزات پرولتاریا، از مبارزات انقلابی خلق ها بخاطر نایل به آزادی و استقلال و حفظ و تحکیم آن، نشانه وفاداری صمیمی حزب کارآلبانی به اکثریت سوسیالیسم پرولتری است. سیاست اصولی جمهوری توده های آلبانی و کنگهای مادی و معنوی بیدریغ و بی شائبه آن به خلقهای انقلابی بقصد صفحه ۲

افتخار بر حزب کارآلبانی

سی و پنج سال از تاسیس حزب کارآلبانی میگذرد. راهی را که این حزب در طول ۳۵ سال حیات خود پیموده، راه پرافتخاری است، راهی است که طی آن خلق قهرمان آلبانی تحت رهبری این حزب خود را از یوغ اشغالگران فاشیست آلمانی و ایتالیائی و ارتجاع داخلی رهانید، قدرت خود را برابر سراسر کشور گسترده و به ساختمان جامعه نوین، جامعه ای سوسیالیستی برداخته و در راه توسعه و تحکیم آن پیشرفته است. حزب کارآلبانی توانست با تکیه بر خلق از کشوری عقب مانده کشوری شرقی پیشرفته و سوسیالیستی بوجود آورد که همچون اختری در اروپا میدرخشد.

زمانی جامعه سوسیالیستی از مرکز اروپا تا اقیانوس آرام را در بر میگرفت، زمانی مشعل سوسیالیسم در سراسر شرقی اروپا فروزان بود، اما خیانت تیتو و شوروی و نظام سوسیالیستی را در بسیاری از کشورهای سوسیالیستی بخاک سپرد. در برابر موج روزی پیوسته که ابتدا ایو کلاو و سپس بخش بزرگی از جنبش کمونیستی را در خود فروبرد در اروپا فقط کشور کوچک آلبانی و حزب کارآلبانی مانند صخره ای عظیم برجستای ایستاد و مشعل سوسیالیسم را که کشورهای اروپای شرقی برخاک افکند بودند با قدرت تمام که فقط از خلقی قهرمان و حزبی پرافتخار ساخته است همچنان برافراشته و فروزان نگاه داشت و امروز آلبانی سوسیالیستی یگانه کشوری است که مانند ستاره ای رهنمون بر سراسر اروپای شرقی افکند و پرولتاریای اروپا و جهان را به آیندگی درخشان، آیندگی فارغ از تباهی ها و نابسامانی های جامعه طبقاتی، آیندگی سعادت تمدن توده میدهد و به آن در مبارزه الهام میبخشد.

مقامات تاسیس حزب کمونیست آلبانی از گروه های پراکنده و بویژه در گروه کورچا و شکود رها جنگ دوم جهانی و اشغال سراسر اروپا توسط ارتش های فاشیست آلمانی و ایتالیا همراهِ بود. وحدت این گروه های کمونیستی که رفیق انور خوجه از همان اوایل رهبری آنها را در دست داشت در نتیجه پیکار خلق آلبانی علیه اشغالگران فاشیست و ارتجاع داخلی دست نشانده آنها جامعه عمل پوشید. کمونیست های آلبانی از همان آغاز با خلقی آکنده از مهره خلق و به آزادی میهن کشور و بیباکی خود را به توفان مبارزه زدند و در پیشانی مبارزات خلق علیه دشمنان خارجی و داخلی قرار گرفتند. بقسمی که در زمان تاسیس حزب کمونیست آلبانی (۸ نوامبر ۱۹۴۶) کمونیستها در میان توده های خلق از نفوذ و اعتبار فراوانی برخوردار بودند.

حزب از همان آغاز تاسیس این حقیقت را در برابر خلق آلبانی بازگو کرد که باید کار آزادی کشور را در دست خود گرفت و مبارزه را تا پایان با فداکاری و از خود گذشتگی با هوشیاری و بدون گذشت و مصالحه به پیش برد. مبارزه بخاطر آزادی ملی و طبقاتی تا کبر بسا مبارزه علیه فاشیسم در پی آمیختن و حزب از همان آغاز خاطر نشان ساخت که آزادی آلبانی بدون درهم شکستن فاشیسم نه تنها در مقیاس ملی بلکه در مقیاس جهانی امکان پذیر نیست. مبارزه خلق آلبانی از مبارزه خلقهای دیگر علیه فاشیسم جدا نشدنی است و آزادی از دست ملی و آزادی از دست طبقاتی با آزادی از یوغ فاشیسم پیوسته و ناگسسته است.

چه کسی غیر از خلق آلبانی میتواند به این آزادی سه گانه تحقق بخشد؟ رفیق انور خوجه پیوسته بر روی این حقیقت تاریخی پافشاری کرده است که "انقلاب کار توده ها است. اگر توده ها به لزوم انقلاب یقین حاصل نکنند، اگر خود را آماده سازند، بسیج نکنند و متشکل نگردند هیچ انقلابی به پیروزی نخواهد انجامید". و حزب کارآلبانی کار در میان توده ها را پایه فعالیت خود قرار داد و هنوز اندکی از تاسیس حزب نگذشته بود که به تدارک جبهه آزاد بیخشم ملی برداخت و در سپتامبر ۱۹۴۲ پایه های سیاسی و سازمانی این جبهه را ریخت. ایجاد جبهه آزاد بیخشم ملی به وحدت حزب و خلق آلبانی تحقق بخشید، وحدتی که در طول جنگ آزادی بخش ملی و سپس در جریان ساختمان آلبانی نوین و ساختمان سوسیالیسم همواره استحکام بیشتری یافت و در مرحله کمونیسم جبهه دموکراتیک شکل سازمانی اتحاد سیاسی خلق در برابری حزب کارآلبانی و دولت دیکتاتوری پرولتاریا است. این جبهه، خلق را برای ساختمان کامل سوسیالیسم، دفاع از کشور سوسیالیستی، مبارزه علیه امپریالیسم بویژه در او بر قدرت، مبارزه بقصد صفحه ۲

احیاء حزب طبقه کار، ضرورت تاریخی و فوری است

سالهای دراز شاه و مقامات دولت او، ایران را جزیره "ثبات و آرامش" در اقیانوس طوفانی خاور میانه نمایانند، سرمایه داران خارجی هم ایران را کشوری آیدال برای هرگونه سرمایه گذاری تشخیص دادند و از این مرهم سودهای افسانهای بردند و هنوز هم میبرند. اما ایران هیچگاه جزیره "ثبات و آرامش" نبود و نمیتوانست باشد، به این دلیل ساده که رژیم کودتا با ناپاکی ماهیت خود ضد خلقی است، رژیم است که وظیفه دارد تمام چرخها را به دور خود بچرخاند و سرمایه های خارجی و وابستگان ایرانی آنرا از آنجمله در بر بگیرد و وظیفه دارد تمام ثروت های ملی را به تاراج استعمارگران دهد، توده های زحمتکش را به مراد استعمار بی بند و بار و بی انسانی سرمایه داران خارجی و داخلی بسپارد و خون و عرق آنها بصورت دلار، مارک، فرانک و غیره در بیابانها بریزد. چنین رژیم برای توده های محروم و زحمتکش جز فقر و تنگدستی روز افزون، جز تشدید محرومیت از حقوق اجتماعی و فردی به ارمغان نمیآورد.

از همان آغاز نامعلوم بود که رژیم کودتا با ماهیت و وظائفی که دارد نمیتواند بطریق عادی کشور را اداره کند، نمیتواند از این جزیره "ثبات و آرامش" بسازد. توده های مردم زیر بار چنین رژیم نخواهند رفت و مبارزه ادامه خواهد یافت. بهبودی نبود که هنوز چند سالی از کودتا نگذشته سازمان امنیت بوجود آمد که به محو و نابودی مبارزان پرداخت، زندانها را از کارگران، دهقانان جوانان و مردمان مبارز انباشت، مردم را از کلبه حقوق اجتماعی محروم ساخت با نیمه جنایت و سیاه کاری بخاطر حفظ "ثبات و آرامش" بود. اما مبارزه و مقاومت توده های مردم نه تنها در هم نشکست بلکه همراه با تشدید فشار و اختناق و ترور تشدید شد.

ثبات و آرامش جزیره ای که به پشت سرمایه داران بود هر روز بیشتر برهم خورد و امروز کار تمام ثبات و آرامش بجائی رسیده که دیگر از آن نامی هم بمیان نیاید. مقاومت و مبارزه توده های خلق بیچنان رشد و حدتی رسیده که ماهی نگرانی محافظ خارجی و داخلی است کم کم سرمایه داران ایرانی و خارجی و از آنجمله خاندان خائن و فاسد پهلوی سرمایه ها و ثروت های افسانهای خود را به خارج از کشور انتقال میدهند. رژیم کودتا علی رغم دستگاه عمری و طویل سازمان امنیت که جنایات آن زبانزد مردم جهان است، علی رغم شکست های جسمی و روحی که خود شاه نیز مجبور به اعتراف به آنها است قادر به اداره کشوری نیست. با آنکه فشار و اختناق حد و مرزی نمی شناسد، با آنکه شاه و دولت برای تحکیم افکار عمومی به دروغ و وعده های توخالی متشبث میشوند، نابسامانی وضع و مشکلات زندگی آنقدر نتوانند فرسایش قابل تحمل است که توده های مردم دیگر حاضر نیستند زیر بار رژیم نکت بارشاه باقی بمانند.

در جامعه طبقاتی، مبارزه طبقاتی امری ناگزیر است و بسا هیچ وسیله نمیتوان آنرا از میان برداشت. خلقهای ایران و در پیشانی آنها طبقه کارگر ایران از شهریور ۱۳۲۰ مکتب مبارزه خونین و قهرمانانهای را از سرگد رانده بودند. رژیم کودتا نمیتواند در برابر این مبارزه سدی ایجاد کند. در دوران رژیم کودتا هیچگاه مبارزه مردم ایران، مبارزه کارگران، دهقانان، دانشجویان و دیگر اقشار مردم قطع نشد. این مبارزه در ۱۰ خرداد ۱۳۴۲ به قیام خلق در شهرهای مختلف و بویژه در تهران انجامید که در برابر نیروهای مسلح شاه بی باک و شجاع و قهرمانانه رزمید.

قیام ۱۰ خرداد در حال بر این حقیقت است که توده های مردم در بیکار خاطر برانداختن رژیم کودتا و نایل به آزادی و استقلال از روی آرزوی بادشمنی به مراتب نیرومند تر و ریختن خون خویش در رخ ندارند بویژه اگر به تجربه دریا باند که شرایط برای کامیابی در تیرد آماده است.

قیام ۱۰ خرداد با دادن تلفات و قربانیهای فراوان شکست خورد ولی مبارزه متوقف نگردید، هر چه بقصد صفحه ۲

درود گرم به مبارزانی که در راه احیاء حزب طبقه کارگر تلاش میکنند!

افتخار حزب کارآلبانی بقیه از صفحه ۱
 پشتیبانی انترناسیونالیستی از مبارزات انقلابی و آزاد بخش خلقهای دیگر و غیره بسیج میکند و در عین حال وسیله شرکت مستقیم توده ها در اداره کشور است. سخن کوتاه این جنبه ضامن حفظ و جراست دستاوردهای عظیم سوسیالیستی خلق از دستبرد دشمن داخلی و خارجی است. حزب برای درهم شکستن دشمنان تا بدندان مسلح، خلق را به قام مسلح فراخواند و در جریان مبارزه مسلح بتدریج ارتش آزاد بخش ملی را سازمان داد، ارتشی که از خلق، از توده های زحمتکش برخاسته و لذا با خلق پیوند های ناگسستنی داشت. حزب کارآلبانی هرگز از این نکته غافل نماند که نقش رهبری خود را در این ارتش تثبیت و تحکیم کند و آنرا با ایدئولوژی طبقه کارگر پرورش دهد، چیزی که خصالت انقلابی ارتش را از هرگونه دستبرد صحن خواهد داشت.

خلق آلبانی که در جنبه آزاد بخش ملی گرد آمده و ارتش آزاد بخش خود را سازمان داده بود تحت رهبری حزب کمونیست آلبانی اشغالگران فاشیست را از کشور خود بیرون راند و ارتجاع داخلی را که از جانب امپریالیستهای غرب پشتیبانی میشد از پای آورد و قدرت توده های را بر سر اسرکسور مستقر ساخت و از آن پس ملی و عرصه محاصره اقتصادی سیاسی و نظامی سرمایه داری و ریزش سوسیالیستی در راه ساختمان جامعه سوسیالیستی از یک پیروزی به پیروزی دیگر گرفت و اکنون در زمانی که سرمایه داری در سراسر اروپا در حال انحطاط و پوسیدگی است یگانه کشوری در اروپا است که پرچم سوسیالیسم را محکم در دست دارد و به پیش میرود. جمهوری توده های آلبانی اگرچه از لحاظ مساحت و جمعیت کوچک است ولی از لحاظ تکامل تاریخی آنگونه که استالین بد رستی می آموزد از پیشرفتات مترین کشورهای سرمایه داری یک مرحله تاریخی جلو است، مرحله ای که اکثریت عظیم خلقهای جهان در آیند های دور یا نزدیک ناگزیر به آن خواهند رسید.

خلق آلبانی این پیروزی عظیم را مدیون رهبری خردمندانه حزب کارآلبانی است که رفیق انور خوجه، مارکسیست - لنینیست بزرگ پایه گذار و رهبر برجسته است. پیروزیهای خلق آلبانی در همه زمینه ها با نام حزب کار آلبانی بانام رفیق انور خوجه درآمیخته است و وحدت پولادین خلق و ارتش توده های آلبانی با حزب کارآلبانی از همین جانانگی میشود.

بزرگی و افتخار حزب کارآلبانی در اینست که همواره در مواضع مارکسیسم - لنینیسم استوار و بی تزلزل باقی مانده است و اصول مارکسیسم - لنینیسم را بد رستی و در تمام موارد بر شرایط مشخص موجود انطباق میدهد، در برابر مشکلات و مصائب با سر سختی می ایستد و آنها را با سرینجه خلق که با آن پیوندی عینی و ناگسستی دارد از میان بر میدارد. هیچگاه از سیاست دفاع از پرولتاریا و خلقهای انقلابی از سیاست مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم پیروزه امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم روس باز نمی ایستد، هرگز به سازش و مصالحه غیر اصولی تن در نمی دهد. دفاع حزب کارآلبانی از مارکسیسم - لنینیسم در برابر امپریالیسم و ریزش سوسیالیسم مدین با خطوط زین بر لوحه افتخار حزب کار آلبانی ثبت شده است. خروش جف به هرگونه نیرنگ و فشاری متوسل شد تا شاید حزب کارآلبانی را از راه مارکسیسم - لنینیسم منحرف سازد و بد نیال خویش بکشد اما جز رسوائی و بی آبرویی حاصلی نبرد.

اکنون خلق آلبانی تحت رهبری دایمانه رفیق انور خوجه و حزب کار آلبانی در کار ساختمان کامل سوسیالیسم است در این دوران آنچه که بیش از هر چیز کسب اهمیت میکند وظیفه حفظ دیکتاتوری پرولتاریا است. انجام این وظیفه ایجاب میکند که مبارزه علیه بقایای طبقات استثمارگر علیه گرایشات ریزش سوسیالیستی در درون حزب و در خارج از آن، علیه امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم یا عبارت دیگر مبارزه طبقاتی با سر سختی دنبال شود.

جنبه عده این مبارزه جنبه ایدئولوژیک است. البته در آلبانی سوسیالیستی ایدئولوژی پرولتاریا باید تئوری سوسیالیستی حاکم است، معدنک هنوز رذ هن زحمتکشان آثار جامعه کهنه و ایدئولوژی آن باقی است و تا مدتی طولانی نیز باقی خواهد ماند باید این آثار را از ذهن زحمتکشان بدر آورد. بعلاوه آلبانی سوسیالیستی در احاطه دنیای سرمایه داری و ریزش سوسیالیستی است که با ایدئولوژی منحنط خود پیوسته بر آلبانی فتار می آورد برای آنکه حزب و دولت و کشور آلبانی را بسوی انحطاط سوق دهد، مبارزه علیه ایدئولوژی منحنط دنیای سرمایه داری و ریزش سوسیالیستی یکی دیگر از اشکال مبارزه در جنبه ایدئولوژیک است.

خلق آلبانی تحت رهبری رفیق انور خوجه و حزب کارآلبانی طی سی و پنج سال گذشته وظائف انقلابی خود را بوجهی درخشان انجام داده است. تردیدی نیست که از این پس نیز به انجام وظایفی که در برابر خود قرار داده و منحوکمل توفیق خواهد یافت. تاریخ درخشان حزب کارآلبانی برای مارکسیست - لنینیست های ایران که در شرایط ترور فاشیستی کم نظیر به احیا حزب طبقه کارگر ایران مشغول اند و آزادی خلقهای ایران را از هرگونه ستم ملی و طبقاتی در دستور کار خود قرار داده اند سرشار از آموزش گرانبها و سرچشمه الهام و جسارت انقلابی است.

احیا... بقیه از صفحه ۱
 طاسد و سیاهی های رژیم آشکارتر شد، هر چه فشار و اجتناقی شدت گرفت مبارزه وسیعتر و جاد تر گردید. سازمان امنیت که وظیفه حفظ ثبات و آرامش را برعهده دارد و فرقه های شاهانه که بخاطر تضعیف و درهم شکستن مبارزه صورت گرفت نتیجه معکوس بخشیدند و خود عامل برهم خوردن ثبات و آرامش و تشدید مبارزه از آب درآمدند. تشدید مبارزه در سالهای اخیر پیروزه مبارزه طبقه کارگر

آذربایجان مبارزه های چریکی ایران مدعی آیند، شوره مبارزه چریکی نیست، محصول تشدید و خاست اوضاع اقتصادی و اجتماعی است. جلوه های ارتضاد ریفوزن کار و سرمایه است. مبارزه طبقاتی، نتیجه تضاد منافع طبقاتی است و تشدید مبارزه نیز از جدت تضاد و منافع طبقاتی سرچشمه میگردد. سازمانها چریکی با تبلیغ این فکر نادرست که تشدید مبارزه پیروزه گسترش اقتصادات کارگری در سالهای اخیر شوره مبارزه چریکی آنهاست باز هم بر روی شیوه مبارزه های اصرا میروند که انقلابیون دلیبر و یا ایمانی را از سنگر مبارزه میگرد بدین آنکه نتیجه های بر آن مترتب گردد. آنها با اصرا خود باز هم راه صحیح مبارزه را که آنها در

هموار کردن آن میتوانند نقش داشته باشند از نظر مبارزان میپوشاند. این فکر که فقط شلیک گلوله هائی و کشتن تنی چند از میان دشمنان بتواند عامل تشدید مبارزه طبقاتی و بسیج توده ها گردد نسبت به قانون مبارزه طبقاتی بگلی بیگانه است. مبارزه طبقاتی در تکامل خود میتواند و باید به استفاده از اسلحه بیانجا ولی استفاده از اسلحه آنها در مقیاس ناچیز توسط گروه های کوچک برانگیزد و تعامل مبارزه طبقاتی میتواند باشد و تعامل تشدید و گسترش آنچه مبارزه طبقه کارگر ایران را گسترش میدهد و تشدید میکند استثمار غیر انسانی کارگران و کدگان زندگی طاقت فرسای آنهاست. دستمزدها کارگران در مقایسه با هزینه زندگی ناچیز است و هیچوجه کفای زندگی کارگر را نمیدهد. در مقابل این وضع رژیم حق اعتصاب را از کارگران سلب کرده است. هیچ حقی از کارگران نیست که توسط مقامات رژیم و سرمایه داران با اعمال تشو

در چنین شرایطی طبیعی است که دامنه مبارزات و دامنه اعتصابات کارگران گسترش مییابد، علی رغم اینکه رژیم شاه هر اعتصابی را بخون میکشد. اگر اعتراض این میبود شکست میبود. اما چریکهای ایران تمام این شرایط عینی مبارزه طبقاتی و تشدید آنرا ندیدند و میگردند وسط مبارزات را محصول صغیر گلوله های اسلحه میگردند. مبارزه چریکی مانند گسترش اعتصابات خود محصول شرایط خفقان آوری است که رژیم کودتا فراهم آورد ماست با این تفاوت که اگر مبارزه اعتصابی کارگران نتیجه ناگزیر استثمار و خشنایه و بیحقی کامل طبقه کارگر است. مبارزه چریکی بشکلی که در ایران صورت میگیرد شیوه مبارزه ای است که هم در تشویری هم در برانگیختن بطلان آن به اثبات رسیده است، کوره راهی است که جوانان انقلابی روزمندیه همین مارا به پرتگاه نیستی سوق میدهد، جوانانسی که میتوانند نقش مؤثری در سرنگونی رژیم کودتا بازی کنند.

بسط دامنه مبارزات توده های مردم اعتلا جنبش انقلابی را نوسید میدهد، بیانگراین حقیقت است که توده های مردم علی رغم رژیم ترور و خشنایه برای نبرد علیه رژیم شاه آمادگی دارند. خلق های ایران از دست این رژیم آهنرستی به ستوه آمد مانند شیخو زهر سلفه آن باقی میمانند. آنچه که نیست عامل دشمنی مبارزه است، آن ستاد ای است که بتواند مبارزات برانگیزد توده هارا شکل دهد، هم آهنگ سازد، در مسیر واحدی اندازد و آثار رهبری کند. ایجاد چنین ستادی ضروری ضروری و فوریه و فوریه است جادارد که همه عناصر و نیروهای انقلابی باین ضرورت پی بزند و متحقق آن همت گارند اهمیت و ضرورت احیا حزب طبقه کارگر را روقاتی که دست اندر کار آنند بخوبی درک میکنند. مایهین دارند که این رقا در آیند های نه چند آن روز تمام مواضعی را که رژیم بر سر راه آنها گسترده در زهم خواهند شکست و با تلاش سازند و خود مبارزات خلقها ایران را وارد مرحله نوینی خواهند کرد. این مرحله مستلما فرا خواهد

از زندگی... بقیه از صفحه ۳
 کویدن دشمن خود نمیتواند خود را از بند های خلاص دهند. با این اخصانه ها طبقات زحمتکشا ایران گول نمیخورند چون خود شاه ویدرین بهترین شاهد این مدعا هستند. فرار مقتضایه رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰ و فرار راهزنانه خود یحمد رضاشاه در ۲ مرداد ۱۳۴۲ از یاد بخاندان پهلوی فرقه است، رسالت طبقه کارگر ایران کماکان ایجاب میکند که رژیم صغیر پهلوی را هر چه زود تر ساقط کرده و خاتمین بخلق را در ادگاههای خلقی بسزای اعیالشان برسانند، و بد تهاست که فرزندان صدیق طبقه کارگر برای مشکل کردن تمام زحمتکشان با فعالیت های شبانه روزی برای احیا حزب خود میکوشند.

جنگ توده های... بقیه از صفحه ۴
 است و خلق ستمدیده شوروی مقاومت روز افزونی از خود نشان میدهد. تاریخ نشان میدهد که امپریالیست ها هر اندازه نیرومند باشند هرگز نمیتوانند در برابر خاطر هزمونی جهانی پیروز شوند. انگلستان، آلمان و آمریکا در این راه همه کوشش خود را بکار انداختند، اتحاد شوروی هم قادر نخواهد بود پیروزیهای دراز مدت برای خود تا مین کند. باید خلق را آماده کرد

شاد باشه... بقیه از صفحه ۱
 بین المللی جمهوری توده های آلبانی افزود است.

تاریخ سی و پنج سال زندگی حزب کارآلبانی، تاریخ سی و پنج سال نبرد قهرمانانه پیروزیهای افتخار آمیز است، سی و پنج سال کار و کوشش عظیم برای ایجاد آلبانی نوین و ساختمان سوسیالیسم، برای پیشبرد انقلاب جهانی. این دوران در تاریخ خلق آلبانی درخشانترین و باشکوهترین دوران تاریخی است. همه پیروزیهای خلق آلبانی از آغاز جنگ آزاد بخش میهنی با حزب کارآلبانی و آموزش کار بزرگ آن رفیق انور خوجه مارکسیست - لنینیست بزرگ درآمیخته است. حزب کارآلبانی در همه جا بر همه حال الهام بخش، سازمان دهنده و رهبری کننده گامیابهای خلق آلبانی است. وحدت پولادین خلق آلبانی با حزب کارآلبانی که رهبر و استحکام بیشتری میابد از همه جا سرچشمه میگردد و وحدتی که در جریان جنگ آزاد بخش بوجود آمد، در دوره نبرد های خونین با دشمنان آید میدهد. در جریان انقلاب و ساختمان سوسیالیسم تحکیم کردید و اکنون سلاح نیز روند و یکتا تئوری پرولتاریا، سلاح مبارزه با دشمنان کامل سوسیالیسم، نگهبان نیرومند دستاوردهای سوسیالیستی است. حزب پر افتخار کارآلبانی اکنون هفتمین کنگره خود را با شکوه فراوانی برگزار میکند. در این کنگره برنامه پنج ساله جدیدی تصویب خواهد رسید که هدف آن ساختمان کامل سوسیالیسم در آلبانی است. برنامه پنج ساله جدید در نورنمای درخشان راد، امر انقلاب و ساختمان سوسیالیسم در برابر خلق آلبانی میگشاید. زحمتکشان آلبانی که خود در طرح و تصویب این برنامه شرکت داشته اند بیقین آنرا در وحدت کامل با حزب و تحت رهبری حزب با شور و شوق فراوان بر مرحله اجراء رخواهند آورد. سازمان ما بیقین دارد که خلق آلبانی در زیر نور برنامه جدید پیروزیها و موفقیت های باز هم درخشانتری بدست خواهد آورد. ما از صمیم قلب چنین موفقیت های بزرگی را برای خلق قهرمان آلبانی آرزو میکنیم. چون موفقیت های پیروزیهای خلق آلبانی، پیروزیهای سوسیالیسم، پیروزیهای مارکسیسم - لنینیسم و جنبش انقلابی کمونیستی است.

زنده باد رفیق انور خوجه مارکسیست لنینیست بزرگ، آموزش کار بزرگ پرولتاریا!
 افتخار بر حزب کار آلبانی!
 پیروزی باد مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری!

سازمان مارکسیستی ریفوزنی توفان

فندان و پیرو کراسی بر سر اسرآن مسلط

جنگ توده های... بقیه از صفحه ۴
 است و خلق ستمدیده شوروی مقاومت روز افزونی از خود نشان میدهد. تاریخ نشان میدهد که امپریالیست ها هر اندازه نیرومند باشند هرگز نمیتوانند در برابر خاطر هزمونی جهانی پیروز شوند. انگلستان، آلمان و آمریکا در این راه همه کوشش خود را بکار انداختند، اتحاد شوروی هم قادر نخواهد بود پیروزیهای دراز مدت برای خود تا مین کند. باید خلق را آماده کرد

حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) امروز مدام بر روی این موضوع پافشاری میکند: آیا ما هواز ارجنکم؟ برعکس. ما خواستار این جنگ نیستیم، ما خواهان انهدام کشور خود نیستیم و تسخیر خواهیم امپریالیست ها. از کارگران روزمعیان کوشش تمام توب استفاده کنند. اما اگر چشم خود را به بندیم ککی به کار نخواهد بود و ما نخواهیم توانست به دنیایی بهتر از آنکه داریم امید به بندیم جنگل سرمایه داری و امپریالیسم زائیده میشود و این مصیبت را باید با جنگ از میان برداشت. طبقه کارگر و کمونیستها راه دیگری ندارند.

جنگ توده‌ای - یگانه راه آزاد کردن کشور

بولتن بین المللی حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) در مقاله "جایی تحت عنوان فوق انتشار داده است که ما برای اطلاع خوانندگان به ترجمه قسمت‌های عمده آن می‌پردازیم. این مقاله پاسخ به آن کسانی است که مدعی اند در صورتیکه میان ایران و اتحاد شوروی جنگی درگیرد خلق ایران کمونیست‌ها باید در کارشاه قرار گیرند. چه رهنمود و هشتمانی!

اظهار این امر که جنگ جهانی دیگری در حال تکوین است مستلزم داناتی کامل به این امر نیست که جنگ چه موقع در کجا و چگونه در خواهد گرفت و توسعه خواهد یافت هیچکس چنان نفاذ اختیار ندارد تا این مطلب را با دقت پیش بینی کند. هر دو جنگ جهانی قرن حاضر تحت آنچنان شرایط خارجی آغاز گردیدند که غیر قابل پیش بینی بود. معذک علل درونی در هر دو جنگ یکی بود: رقابت و تضاد میان قدرتهای امپریالیستی. اما مورخین به روزی بر آنند که این دو جنگ بدنبال "شلیک سارایه" و "پیش آمد یا نتیجه" "دیوانگسی هیتلر" بود.

معذک ممکن است با استفاده از علم تاریخ و تئوری مارکسیستی - لنینیستی جریان جنگ جهانی جدید را طرحریری کرد. ما درباره وضع کنونی رقابت ابرقدرتها اطلاعات بسیاری داریم بر مبنای فاکت‌های فراوانی درباره وضع نظامی اتحاد شوروی، آرایش نیروها و شیوه‌های عملیات در جریان تمرینات نظامی شوروی در دست است. این فاکت‌ها افشاکننده راهی است که آنها فکر و طرح‌ریزی میکنند. این فاکت‌ها در عین حال میدان عمل آنها را معلوم میدارند. وقتی ارتش‌ها و سلاح‌ها بصورت معینی آرایش داده شوند معنی آن تاحدودی اینست که این ارتش‌ها و سلاح‌ها بچه طریقی مورد استفاده قرار خواهند گرفت.

نروز اشغال خواهد شد.

در صورت بروز جنگ در اروپا اتحاد شوروی از جنگ برق آسوده‌اد عظیمی از سپاهیان استفاده خواهد کرد برای آنکه منجمله کنترل سرزمین بر کشورهای شمالی برقرار کند و نیروهای که مورد استفاده قرار خواهند گرفت بر مراتب بیشتر از نیروهای آلمان نازی در ۱۹۴۱ خواهد بود. اینکه همه کشورهای شمالی بیکار تحت اشغال در خواهند آمد مسلم نیست. اما موقعیت استراتژیک نروز این احتمال را که آماج نخستین موج حمله قرار گیرد منتفی مینماید.

به امپریالیسم آمریکا اعتماد نمیتوان کرد.

خلق نروز نباید بیک ابرقدرت علیه ابرقدرت دیگری برون گروه از قدرتهای امپریالیستی علیه گروه دیگری تکیه کند. این بدان معنی است که ما علیه شوروی بر آمریکا تکیه نخواهیم کرد. ابرقدرت آمریکا بهیچوجه بهتر از شوروی نیست. هر دو برای هدف واحد یعنی هژمونی بر جهان وارد جنگ میشوند. رخصت جنگ تئوریک شوروی نیستند. هر دو حتی اگر آمریکا از همان آغاز در برابر سوسیال امپریالیسم در موضع دفاعی قرار گیرد. (تکیه بر روی عبارات همه جا از ما است - توقان)

ما باید بخاطر سیریم که ابرقدرت آمریکا به هیچوجه به خلق نروز یا به متافع وی خلاقایندارد. خلق نروز برای آمریکا بیشتر از خلقها یونان، ویتنام، کوبا، اسپانیا و شیلی اهمیت ندارد. آمریکا تهدید برای نروز باقی مینماید حتی اگر کشورهای تحت اشغال نظامی شوروی در نمونه آنکولا نشان میدهند که جنبش مقاومتی که علیه یک ابرقدرت می‌جنگد چنانچه برابر قدرت دیگری تکیه کند میتواند از عقب‌مورد تجاوز واقع شود. سربازان مزدور روسیه و کوبا شهرها را بمباران کردند. مردم دهات را قتل و عام نمودند و هزاران اهالی غیر نظامی را کشتند. نمونه‌های نظیر این میتوان در اروپا در دوران جنگ دوم جهانی مشاهده کرد.

ایستادگی در برابر یک ابرقدرت با تکیه بر ابرقدرت دیگری نیست. چنانکه از میکروب و باکتری برانداختن طاعون استفاده نشود. تکیه بر قدرتهای امپریالیستی کوچکتر مانند انگلستان، فرانسه یا آلمان به بهیچدی وضع کنونی نخواهد کرد. بدین بقیه در صفحه ۳

داد و فغان رونیونیست‌ها علیه رونیونیست‌ها

مجله "رنیونیست" رونیونیست‌های کمیته مرکزی اخیر ایرانی را تحت نام "اپورتونیسم راست علیه همگان خود در رونیونیست‌ها" برانداخته است. سو تعبیر نشود! مبتکر جریان کمیته مرکزی نیست. اینان هرگز با مغزواندیشه خود عمل نکردند. جریان از جادوی دیگری آب میخورد. کمیته مرکزی مترافهم آواز این جریان را جارچی و مبلغ آنست.

واقعیت این قرار است که اختلاف رونیونیست‌هاست با اکثریت است. کفران اخیر احزاب رونیونیست اروپا که رونیونیست‌ها را شوروی از آن دست از یاد راز تره کرملین بازگشتند. مظهر آنست. رشد وحدت تضاد و اختلاف میان آنها نتیجه ناگزیر شد تضاد میان سرمایه داران و شیتم سرمایه داری است که آنان مدافع و نماینده آنند. رونیونیسم شکلی از ایدئولوژی بورژوازی است و لذا تضاد میان رونیونیست‌ها نیز از نوع تضاد میان بورژواهاست و جز این هم نمیتواند باشد.

داد و فغان رونیونیست‌ها علیه رونیونیست‌ها تا بوسیله رونیونیست‌های شوروی علیه برخی احزاب برادر اروپایی بر افتاد ماست این جریان با درج مقاله‌ای از بوریس پاناماریف در برادو اشدت بیشتری یافته. در این مقاله پاناماریف از تعقیب "همزستی مسالمت آمیز" شرکا اروپایی خود که روز بروز نقش چاکری به بورژوازی امپریالیست خودی گامهای بلند می‌برند از دست بخشیده و به آنها هشداری میدهد که شوروی را از یاد نبرند و "از نمونه شوروی" بیاموزند! همان بوریس پاناماریف که در ۱۸ نوامبر ۱۹۶۲ در همین روزها برادو نوشت: "همزستی مسالمت آمیز حکم قاطع زمان و خواست آمرانه دوران میباشد. در همان سال در شماره ۱۲ مجله "صلح و سوسیالیسم" نوشت: "اصل همزستی مسالمت آمیز خط مشی اصلی سیاست خارجی حزب کمونیست اتحاد شوروی و سایر احزاب مارکسیستی - لنینیستی را تعیین میکند." رونیونیست‌های طرفدار شوروی نیز از همان سالها این "خط مشی" را نه فقط در سیاست خارجی بلکه در سیاست داخلی احزاب خود نیز بکار بردند و راه مصالحه، سازش و همزستی مسالمت آمیز با بورژوازی خود را در پیش گرفتند. دیگر چه جای انتقاد به آنهاست؟! از کی تا بحال استادان علیه شاگردان با وفای محک خود که رهنمودهای آنان را مومو بهورد اجرا کردند مانند اقامه دعوی میکنند؟! لنین میگوید: "وحدت پرولتاریا با بورژوازی خودی ویرانکننده پرولتاریای جهانی است و وحدت نوکران ویرانکننده انقلابیون میباشد." (کلیات جلد ۱، صفحه ۲۲۳). هر چه این "وحدت" بیشتر تحکیم یابد تضاد رونیونیست‌های شوروی با بورژوازی غرب حادتر گردد. داد و فغان رونیونیست‌های شوروی و حامیان آنها بلندتر خواهد شد.

البته این جریان تبلیغاتی تازگی ندارد. پس از جدائی رسمی و بی پرده رونیونیست‌های فرانسوی از دیگانتوری پرولتاریا که از دوران خروش اف آرا با فراموشی سیرده بودند، رونیونیست‌های شوروی و سایر دست‌آموزان آنها منجمله کمیته مرکزی که این اقدام قدیمی در جدائی از "حزب پدر" می‌دیدند علیه آن بمقابله برخاستند.

اینکه کمیته مرکزی در جریان این اختلافات جانب تزارهای نوین کرملین را گرفته است جای تعجبی ندارد. آنها همیشه نقش ملیجک در بار کرملین را بازی کرده‌اند.

آنها همانگونه که در جنبه داخلی مطابق خواست باب موزیانه طرفدار "سرنگونی رژیم استبدادی" شده‌اند، در جنبه خارجی برای همیلکان خود نیز از "دیگانتوری پرولتاریا" سخن میگویند. گوش کنید:

"ما بر آن بوده و هستیم که آموزش لنین نه از جهت این یا آن حکم جداگانه، بلکه از جهت سرشت و اسلوب انقلابی خود تازگی و فعلیت خویش را حفظ کرده، آموزش دیگانتوری پرولتاریا که نه شده و از سنگهای پایه‌های آموزش مارکسو انگلس و لنین است! (رنیونیست) خردان (صفحه ۴۸). شگفتا! برآستی که رونیونیست‌ها ایلمس تئوریک را باند (خداوند کار خدعه و نیزنگند! بدون شک کسانی که از "سرنگونی" نوع رونیونیستی آنان کجی شده باشند، ازین چرخش نوع رونیونیستی آنان نیز مات خواهند شد. بقیه در صفحه ۳

از زندگی کارگران و کشاورزان ایران

مقدماتی موارغبیانه در کارخانه ماشین سازی تبریز

در مرداد ماه امسال ۵۵ طی آگهی مفصلی به کارگران کارخانه ماشین سازی تبریز و به میدهند که کارگران این کارخانه میتوانند از ۸ روز مرخصی تابستانی استفاده کنند. بعد از چند روز با طی آگهی مفصلی اعلام میکنند که بناید ستورید بریت کارخانه کارگران میتوانند از ۸ روز مرخصی تابستان باین ترتیب استفاده کنند. ۱- سه روز مرخصی تابستانی ۲- ۵ روز مرخصی استحقاقی لازم بیاد آورست که از سه روز مرخصی تابستانی در روز به تعطیل هفته برخوردار میگردد کارگران کارخانه وقتی متوجه دروغ و حيله سرمایه داران خونخوار میشوند بحالت اعتراض از این مرخصی استفاده نمیکنند. کارگران معتقد بودند که با این وسائل میخواهند سرمایه بگدازند و بین خودشان این مسئله را آشکارا بیان میکردند باید یاد آور کرد در این کارخانه مرخصی سالانه فقط ۸ روزست و کارگران ماهرودوره دیده حقوقی درازا ۸ ساعت کارشهای ۷٪ حق بیمه ۱۰ تومان در ماه دریافت میدارند.

در این کارخانه یک کارگر باید در ۵ ساعت کار یک لیف تراک را مونتاژ کند. در کارگاههای دیگر این کارخانه کارگر تراک باید در یک ساعت کار یک قطعه شخص را تراشکاری کند و اگر نتواند از حقوقش کم میشود بطوریکه کارگران در این کارخانه بشد بدترین شکل استثمار میشوند این یکطرف قضیه است ولی از طرف دیگر کارگران بروشهای ضد کارگری گردانندگان و مدیران کارخانه پس برده‌اند مخصوصا به الکی بودن بیمه درمانی. در این کارگاه شخصی بنام زرگران که انبار از کارگاه لیف تراک است و شامل ساواک میباشد از زندگی مرطوب برخوردارست. کارگران این شخص را میشناسند و بهیچ وجه بهش رو نمیدهند و در کارگاه مثل طاعون زده‌هاست که هفتاد و هفتاد می‌کنند. در این کارگاه در نوع لیف تراک مونتاژ میشود. تعداد کارگر مونتاژ ۲ نفر ۱ نفر فورس ۲ نفر تک فورس ۱ نفر مسئول کارگاه ۱ نفر انباردار و ۱ نفر برنده ریز و ۲ نفر کنترلر تولید ۱ نفر سرمهندس کارگاه. تولید سالیانه ۱۲۰۰ دستگاه در نوع دیزلی و الکتریکی که قیمت هر کدام دیزلی ۱۲۰ هزار تومان، الکتریکی ۱۵۰ هزار تومان است لازم بیاد آورست که یک مهندس انگلیسی باین کارگاه نظارت عالی دارد. بالطبع با یک حساب ساده اقتصادی به استثمار کارگران در این کارگاه کوچک بی میبریم.

مطبوم بیمه در این کارخانه

اوایل خرداد ماه سال ۱۳۵۵ کارگری بنام عظیمی ساکن تبریز منجمله شنب‌غازان سن ۴۰ سال دارای ۵ نفر عائله در کارگاه لیف تراک کارخانه ماشین سازی تبریز در اثر حادثای دو انگشت پای راست خود را از دست داد و ۱۵ روز در بیمارستان ششم بهمن تبریز بستری میشود. در مدت ۱۵ روزه کارگر حقوق داده نمیشود و بیمه نوع آبامهری نیز در مورد این کارگر اقدامی نمیکند و مسئولان بیمارستان مخارج معالجه را از کارگر طلب میکنند که کارگر با مقاومت این پول را نمی‌پردازد و بعد از مراجعت از بیمارستان بکارگر تکلیف میکنند که باید نظافت محوطه کارگاه را بعهده بگیرد. ولی کارگر شریف اینکار را انجام نمیدهد و اثر سرپیچی از دستورات فورس بیک روز توپیخ درجه ۳ تنبیه میشود لازم بیاد آورست که در این کارخانه سه نوع تنبیه وجود دارد. به این معنی که روز تنبیه درجه ۳ معادل یک روز بیکاری بدون حقوق و درجه ۲ درجه ۱ کارگر نمیرد. برای انجام کارهای ضروری خصوصی یک روز مرخصی درخواست میکند که با مخالفت روبرو میشود ولی او بالا جباریکر بکارخانه نمی‌آید بعد از مراجعت ۳ روز بدون حقوق و توپیخ درجه ۳ در موردش اجرا میشود یعنی کسر ۳ روز حقوق. در نتیجه کارگر نمیرد. با ۵ نفر عائله در یک ماه حقوق ۱۰ روز را میگیرد یعنی ۱۵ روز در بیمارستان بستری میشود و ضمانت و انگشت پای راست خود را از دست میدهد.

دهقانان

در جریان اصلاحات ارضی در منطقه کلارآباد زمینهای ناباب و بی ارزش مابین دهقانان تقسیم گردید. دهقانان در این رابطه موظف به پرداخت وجه زمینی بدولت میباشند. تا بدیه این مبلغ به صورت قسط‌های ماهانه است. بقیه در صفحه ۳

سوسیالیسم شوروی را بشناسید و ب مردم ایران بشناسانید